

## تا ناز بردار داری، ناز کن! (یک سؤال و یک جواب)

- آقای کرزی، شما در اولین عکس العمل تان، پس از حملات نیرو های طالبان به هفت منطقه در شهر کابل و به ولایت های لوگر، پکتیا و ننگرهار گفتید: " داخل شدن تروریستان انتحاری در کابل و دیگر ولایات کشور یک ناکامی استخباراتی برای نیروهای افغان و بخصوص برای ناتو است."

این انتقاد و انتظار شما از نیرو های ناتو مرا به یاد ضرب المثلی زیبای "حالیکه زائیدی بزرگش هم کن" انداخت؛ ضرب المثلی که در اینجا به یک اعتبار معنی و پیامش این است که حال که بدنیا آمدن مداخلات غیرمستقیم عملاً آمدی و اوضاع آشفته این کشور را آشفته تر کردی و تیغ های بُران را بدست زنگیان مست دادی، ما را تنها مگذار و یتیم مساز، کار ما را سامان بده و به سر برسان. و تا طالب است و القاعده و حقانی، و تا سائر دهشت افغانان نبود نشده اند و مداخلات ایران و پاکستان پایان نیافته با ما باش و ما را از عنایتها، حمایت ها و الطاف عظیم و سخاوتمندانه ات بی بهره و محروم مکن. کار ما بدون "الله" - کسی که مسؤول پرورش و نگهداری کودک یا کودکان است - به تباهی میکشد. ما به تنهایی و بی شما هیچ هیچیم!

باتوجه به این اصل که وظیفه حفاظت جان و مال مردم و دفاع از خاک و سائر نوامیس ملی در هر کشور، اولتر از همه، بدوش وزارت دفاع، وزارت داخله، ریاست عمومی امنیت ملی و کلاً بدوش دولت است، چنین انتظاری از دیگران به نظر تان شرم آور نمی آید؟

وزرای وزارت دفاع و داخله و رؤسای ریاست عمومی امنیت ملی و این همه افسر و درجه دار و عسکر و پولیس کار شان چیست، و چه دردی را منحیث افراد و مقام های مسؤول امنیتی در کشور دوا میکنند که شما بحث خاص کردن ضعف استخباراتی و انتقاد و انتظار از قوای ناتو در افغانستان را بجای خاص و منفرد کردن وظیفه استخبارات اردو و استخبارات وزارت داخله و ریاست عمومی امنیت ملی و وظایف خودتان، بعنوان قوماندان اعلی اردو، پیش میکشید؟

دولتی (حکومتی) که نتواند خانه و کشور امن و امان، و زندگی آرام و مصون برای مردم خود فراهم کند، دولتی که نتواند امنیت مردم خود را تأمین کند، به چه دردی خواهد خورد؛ و به چه حق و اعتباری دعوی مشروعیت و حاکمیت خواهد کرد؟

شما فکر نمی کنید که موجودیت دولتی که از پیشگیری (و دفع) حملات چهار تا دهشت افغان - فراموش نکنید که دهشت افگنی خود نشانه بارزی از ضعف است - آنها در مرکز و پایتخت کشور چنان در مانده و ناتوان باشد - خصوصاً بعد از بیشتر از ده سال حکومت داری، هزینه کردن ده ها میلیارد دالر و موجودیت بیشتر از سه صد هزار نیرو های نظامی و انتظامی و... بومی - نشانه تباه شدن کشوری است که دست اندرکاران ناتوانی در آن زمام حکومت و سیاست را در دست دارند؟

عاقبت کار شما با چنین ضعف و ناتوانی، و با این همه اتکای پایان ناپذیر به دیگران، و عاقبت کار مردم و کشور، چه خواهد شد و به کجا خواهد رسید؟

سال دو سال دیگر - اگر فرض را بر آن قرار بدهیم که نیروهای خارجی افغانستان را ترک میکنند - وقتی نیرو های خارجی کشور را ترک کنند، شما برای حفاظت خاک و مردم در برابر توطئه های پنهان و آشکار ایران و پاکستان و

دیگران، و در برابر حملات نیروهای طالب و حقانی و حکمتیار و...، به عنوان یک رئیس جمهور، به عنوان رئیس یک کشور، چه خواهید کرد؟ آیا به این مسأله، شما و همکاران تان فکر کرده اید؟

- آره! من در مورد تمام این مسائل فکر نموده ام. توضیح در اطراف کل موضوعات را، چون وقت بسیار تنگ و قیمتی است، لازم نمی بینم. در اینجا، و اکنون تنها می خواهم به جواب چند نکته نسبتاً ضروری بپردازم. توجه کنید:

۱- وظایف و مسؤولیت های واقعی من موضوعاتی که شما آنها را قطار کردید، نیست! من یک سیاستمدار هستم، نه یک شخصیت اخلاقی که خود را در برابر وعده هایی که به مردم داده ام اخلاقاً مسؤول و پایبند احساس کنم. یک سیاستمدار اول به فکر خود است و بعد به فکر مردم.

۲- بعضی ها فکر میکنند که من آدم ساده نی هستم. این درست نیست؛ شاید به نظر ساده برسم! شما تشویش نداشته باشید، من فکر آن وقت ها را هم کرده ام.

۳- با راه انداختن انتخابات پیش از وقت در سال ۲۰۱۳، قدرت را به کسی دیگری می سپارم. باز او میداند و این همه جنجال و شاریدگی ها!

۴- خودم پیش از اینکه نیروهای خارجی از افغانستان خارج شوند، کشور را ترک نموده به جایی خواهم رفت که نه طالب باشد و غمش، نه تشویش اینکه چه باید بکنم و چه باید نکنم، نه معضله و مشکل دفع مداخلات پاکستان و ایران - به زعم شما - و غیره و غیره و نه نق زدن تو و این و آن!

۵- به همین اندازه توانستم. منم انسانم. از من انتظار معجزه را نداشته باشید! من یک انسان معمولی هستم.

از شما (مردم) تنها یک چیز برآیم رسیده است. آن را هم به آقای تان عطا میکنم. سائر چیز هائیکه به من رسیده، بخدا و به قرآن و پیامبر قسم که همه اعطیات بی غرض و بدون مدعای خارجیان، بخصوص بذل و بخشش امریکائیان دست و دل باز و مستمری های برادر بجان برابر حضرت مستطاب عالی محمود احمدی نژاد است!

۶- کشورهای بی شمار، خاصاً ایران و پاکستان، از روی وظیفه و بخاطر مدیونیتی که نسبت به خدمات بی شائبه من بمن دارند، با علاقمندی و مسرت زیاد حاضرند از من، تا هر زمانی که خواسته باشم در این کشورها زندگی کنم، با قند و قیماق، مربا و عسل، و شیر و خاکشیر، پذیرائی کنند.

چرا نکنند؟! شما به رد قسم یک مورد یا یک حرف را بمن نشان بدهید که من خلاف منافع علیای ایران یا پاکستان و خلاف قدر و شرف زمامداران این کشور ها و یا خلاف منافع برادران عربی خود زده باشم. علاوه براین، با این همه پولی که من دارم، کیست که خریدار من نباشد!

۷- تو برو و غم خود را بخور که تا بودی و هستی بخاطر حرف های مفتت هم من، و هم دیگران به ریشت خندیدیم و هنوز هم میخندیم.

۸- در مورد آنچه تو آنرا انتقاد از ناتو میخوانی، باید بگویم که ناز بود که من مانند هزاران ناز دیگر بالای نازبردارانم کردم. مگر نشنیدی که گفته اند: "تا نازبردار داری ناز کن!"

فکر میکنم همین قدر کافی باشد. خدا نگهدارت.

- تشکر آقای رئیس جمهور، فکر نمیکنم چیزی باقی مانده باشد که نگفته باشید؛ خدا نگهدار شما!

پایان